

# شیوه‌های تفسیر

## سید امیر عظیم

حجت الاسلام دکتر محمد علی رضایی

استاد حوزه و دانشگاه

مقدمه:

محققان قرآنی، شیوه‌های مختلفی در تفسیر قرآن برشمرده‌اند که هر کدام امتیازات و اشکالات خاص خود را دارد و به روشهای گوناگون نیز این تقسیم‌بندی صورت پذیرفته است که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

شیوه‌ها و روش‌های تفسیر:

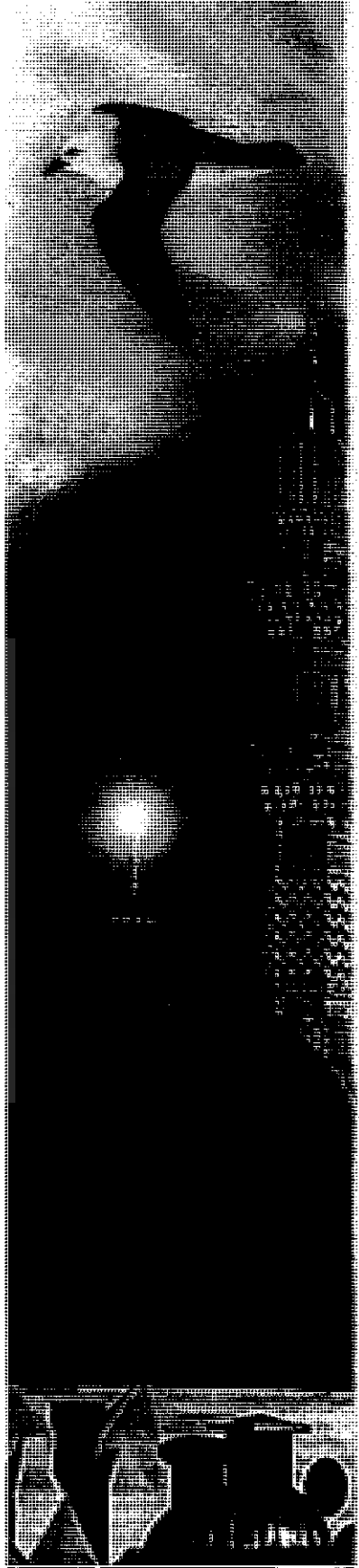
شیوه و روش‌های تفسیر عموماً به دو صورت انجام پذیرفته است:

الف ( تفسیر نقلی ) که براساس آیات و روایات صورت گرفته است)

ب ( تفسیر عقلی ) که براساس استدلالات عقلی و علمی یا الهامات باطنی صورت گرفته است ( اهل اشارت ).

انواع تفسیر:

الف ( ترتیبی ) به ترتیب از اول تا آخر قرآن آیه به آیه تفسیر می‌شود)



ب) موضوعی ( هر موضوع در همه قرآن . آیات آن جمع آوری و مورد بررسی قرار می گیرد . )

- آنچه در این مقاله ما مورد نظر قرار داده ایم « روش تفسیر نقلی »<sup>(۱)</sup> است . این روش بر اساس روایاتی بنیان نهاده شده که از پیامبر اعظم ﷺ و اهل بیت ﷺ<sup>(۲)</sup> به ما رسیده است .

از جمله تفاسیری که بر اساس این روش شکل گرفته است ، تفسیر (البرهان فی تفسیر القرآن) ( سید هاشم الحسینی البحرانی . م ۱۱۰۷ ق ) نورالثقلین ( شیخ عبدعلی بن جمعه العروسی الحویزی . م م ۱۱۱۲ ق )؛ از تفاسیر شیعی و تفسیر جامع البیان ( طبری ۳۱۰ ) درالمنثور ( سیوطی . ۹۱۰ ) از تفاسیر اهل سنت را می توان ذکر نمود .

### شیوه و روش تفسیری پیامبر اعظم ﷺ و اهل بیت ﷺ

با مطالعه روایات تفسیر پیامبر اعظم ﷺ و اهل بیت ﷺ می توانیم به روش و شیوه خاص آنان در تفسیر دست یابیم . این روش تفسیری در بین شیوه های رایج تفسیر ، از امتیازات ویژه ای برخوردار است . این شیوه اگر چه روش نقلی (روایی) برای مامحسوب می شود ولی این روایات در بردارنده مطالب ارزنده ای است که پیامبر اعظم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در صدد آموزش آنها بوده اند . به صورت خلاصه ویژگی ها و شیوه های تفسیری که از پیامبر اعظم ﷺ و اهل بیت ﷺ در مورد قرآن به ما رسیده است رامی توان در این چند مطلب بیان کرد .<sup>(۳)</sup>

### ویژگی های تفسیری پیامبر اعظم ﷺ و اهل بیت ﷺ

(۱) تفسیر قرآن به قرآن :

علامه طباطبایی رحمته الله معتقد است این شیوه تفسیر قرآن به قرآن همان روشی است که پیامبر اعظم ﷺ و اهل بیت ﷺ در تفسیر پیموده اند .<sup>(۴)</sup>

(۲) پرهیز از روش تفسیر به رأی :

علامه طباطبایی رحمته الله معتقد است روایات نهی تفسیر به رأی ، مثل این روایت

نبوی ﷺ « مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَلْيَبْئُوهَ مِنْ النَّارِ »<sup>(۵)</sup> به طریق تفسیر قرآن بر می گردد نه به خود تفسیر ( از راه کشف نه مکشوف ) و مهمترین جهتش این است که در تفسیر کلام خدا همان معامله ای می کنیم که در تفسیر کلمات دیگران می کنیم.<sup>(۶)</sup>

۳) تبیین جزئیات آیات الاحکام :

۴) بیان باطن آیات قرآن ؛

۵) بیان تأویل آیات قرآن ؛<sup>(۷)</sup>

۶) بیان مصادیق آیات یا اظهر مصادیق ؛

۷) تطبیق آیات بر موارد خاص آن ؛

۸) بیان مفاهیم و مطالب آیه به زبان ساده ؛

این ویژگی در واقع همان تفسیر مصطلح امروزی است ( یعنی برطرف کردن ابهام از الفاظ مشکل و بیان مطالب و اهداف آیات قرآن ) .

۹) بیان شأن نزول آیات قرآن .

مثالها و نمونه ها :

۱- تفسیر قرآن به قرآن :

در روایات پیامبر اعظم و اهل بیت علیهم السلام تفسیر قرآن به قرآن توصیه شده است و به صورت عملی هم ، آن را آموزش داده اند ، در اینجا به پاره ای از این روایات اشاره می کنیم:

الف :

عن علی علیه السلام : « ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض » .<sup>(۸)</sup>

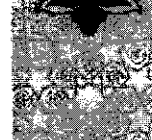
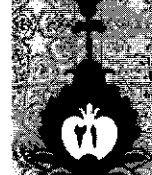
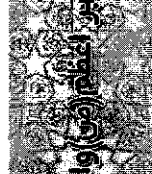
« قرآن برخی آیات آن بوسیله برخی دیگر سخن می گوید . و برخی آیات آن شاهد بر برخی دیگر است . »

عن علی علیه السلام : « انّ الکتاب یرصدّق بعضه بعضاً »<sup>(۹)</sup>

« قرآنی برخی از آیات آن برخی دیگر را تصدیق می کند . »

عن علی علیه السلام : « ذلک القرآن فاستنطوه »<sup>(۱۰)</sup>

« این قرآن است آن را به سخن آورید . »



عن علی علیه السلام: « ولاتنثره نثر الرَّمَلِ » . (۱۱)

« قرآن را مانند شن‌های گسسته پراکنده نسازید .

**پ :**

در روایتی آمده است: « انَّ الْقُرْآنَ يَفْسُرُ بَعْضُهُ بَعْضًا » (۱۲) .

« همانا قرآن برخی از آن برخی دیگر را تفسیر می کند »

**پ :**

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: « انَّ رَجُلًا قَالَ لَهُ: مَا أَنْتَ الَّذِي تَقُولُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا عَلَيْهِ مَعْرُوفٌ. قَالَ: لَيْسَ هَكَذَا قُلْتَ أَنْمَا قُلْتَ: لَيْسَ شَيْءٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِلَّا عَلَيْهِ دَلِيلٌ نَاطِقٌ عَنِ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ مِمَّا لَا يَعْلَمُهُ النَّاسُ ... أَلَمْ يَأْنِ أَنْ قَالَ: انَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَمَعَانِيًا وَنَاسِخًا وَمَنْسُوخًا وَمَحْكَمًا وَمُتَشَابِهًا وَسُنَّتًا وَأَمْثَالًا وَفَصْلًا وَوَصْلًا وَأَحْرَفًا وَتَصْرِيفًا فَمَنْ زَعَمَ انَّ الْكِتَابَ مَبْهَمٌ فَقَدْ هَلَكَ وَاهْلَكَ ... » . (۱۳)

« مردی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: آیا شما هستید که می گویند: در قرآن چیزی نیست مگر آنکه برطبق آن معروفی هست. حضرت فرمود: من اینگونه نگفتم بلکه گفتم: هیچ چیزی از کتاب الله نیست مگر آنکه دلیلی ناطق از طرف خدا در کتابش بر آن آمده به طوری که مردم آن را نمی دانند ... برای قرآن ظاهری؛ باطنی؛ معانی؛ ناسخ؛ منسوخ؛ محکم؛ متشابه؛ سنت؛ امثال؛ فصل؛ وصل؛ حروف و تصریف است. پس کسی که گمان کند کتاب خدا مبهم است خودش را به هلاکت انداخته و دیگران را نیز هلاک می کند. »

نکته: از این روایات به دست می آید که ائمه اهل بیت علیهم السلام قرآن را یک واحد به هم پیوسته و آیات آن را مرتبط با هم و هماهنگ و شاهد بر هم می دانسته اند. و همین مطلب معنای تفسیر قرآن به قرآن است یعنی آیات قرآن می تواند در تفسیر و تبیین یاری‌گر هم باشند.

**ت :**

وقتی از امام جواد علیه السلام در حضور معتصم خلیفه عباسی از مقدار قطع دست سارق

( آیه ی : « السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا » ) (۱۴) پرسش می کنند حضرت

می فرماید:



« قال الامام عليه السلام : القَطْعُ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ مِنْ مَفْصَلِ أَصْوَالِ الْأَصَابِعِ فَيَتْرَكَ الْكُفَّ قَالَ الْمُعْتَصِمُ :  
وما الحجة في ذلك . قال الامام: قول رسول الله صلى الله عليه وآله : السَّجُودُ عَلَى سَبْعَةِ أَعْضَاءِ الرَّجُلِ  
وَالْيَدَيْنِ وَالرِّكْبَتَيْنِ وَالرَّجْلَيْنِ فَإِذَا قَطَعْتَ يَدَهُ مِنَ الْكُرْسُوعِ أَوْ الْمَرْفِقِ لَمْ يَبْقَ لَهُ يَدٌ يَسْجُدُ عَلَيْهَا  
وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿ وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ ﴾ <sup>(١٥)</sup> . يَعْنِي بِهِ هَذِهِ الْأَعْضَاءُ السَّبْعَةَ الَّتِي يَسْجُدُ عَلَيْهَا  
﴿ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴾ <sup>(١٦)</sup> ﴿ وَمَا كَانَ اللَّهُ لَمْ يَقْطَعْ ﴾ . <sup>(١٧)</sup>

«امام جواد عليه السلام می فرماید : واجب است که دست دزد را از ته انگشتان او قطع  
کنند و کف دست رباقی گذارند. سپس معتصم عباسی از ایشان سؤال می کند  
که : دلیل این مطلب چیست؟ و حضرت پاسخ دادند: کلام پیامبر اعظم صلى الله عليه وآله که  
فرمودند : سجده بر هفت عضو انجام می شود: صورت؛ دودست و دو زانو و  
دو پا . پس اگر دست دزد را از مفصل یا پایین بازو قطع کنند دستی برای او باقی  
نمی ماند تا بر آن سجده کند در حالی که خداوند می فرماید « و مساجد برای  
خداست » که مقصود همین هفت عضو سجده است که بر آنها سجود می شود .  
(پس کسی ربا خدا نخواند ) و آنچه برای خداست قطع نمی شود .  
این همان روش تفسیر قرآن به قرآن است که حضرت عمل نمودند .

ث:

از پیامبر اعظم صلى الله عليه وآله در مورد آیه شریفه : ﴿ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ  
الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ ﴾ <sup>(١٨)</sup> « آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک و ستم  
نیالودند ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت یافتگانند » سؤال می شود: « فقالوا  
اینالم يظلم نفسه . ففسره النبي صلى الله عليه وآله بالشرک و استدل بقوله تعالى: ﴿ وَإِنَّ الشَّرْكَ  
لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴾ . <sup>(١٩)</sup> (٢٠) .

« از پیامبر اعظم صلى الله عليه وآله پرسیدند که: کدامیک از ما ظلم نکرده است؟ حضرت  
می فرماید که : مراد از ( ظلم ) در این آیه ( شرک ) است. و سپس به آیه (همانا  
شرک ظلم عظیمی است) استدلال کردند .

تذکر : در اینجا پیامبر صلى الله عليه وآله برای روشن کردن تفسیر یک آیه به آیه دیگر استدلال  
می کنند و این همان روش تفسیر قرآن به قرآن است.

۲- پرهیز از روش تفسیر به رأی :

برخی از روایات تفسیری در صدد آموزش راه صحیح تفسیر و جلوگیری از روش‌های غلط تفسیری است ؛ در اینجا به پاره‌ای از این روایات توجه می‌کنیم:

در احادیث متعددی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

نهی از تفسیر به رأی شده است:

عن النبی الاعظم صلی الله علیه و آله : « من قال فی القرآن برأیه فلیبوء مقعده من النار » (۲۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: « هرکس در مورد قرآن

به میل خود سخن گوید جایگاهی از آتش

برایش فراهم می‌شود. »

عن علی رضی الله عنه عن رسول الله صلی الله علیه و آله : « عن الله عزوجل: ما

آمن بی من فسّر برأیه کلامی » (۲۲).

« خداوند فرمود: کسی که به میل خود کلام مرا تفسیر کند

ایمان به من ندارد. »

تذکر : این روایات هم آموزش روش تفسیر است، چرا که از

یک انحراف در روش تفسیر جلوگیری می‌نماید.

۳- تبیین جزئیات آیات الاحکام:

این امر در ابتدا وظیفه پیامبر اعظم حضرت

محمد مصطفی صلی الله علیه و آله بود : « وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ

لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ » (۲۳)

« وما این ذکر ( قرآن ) را بر تو نازل کردیم تا

آنچه که به سوی مردم نازل شده است برای

آنها روشن سازی و شاید اندیشه کنند »



امام صادق علیه السلام می فرماید: « إن رسول الله صلی الله علیه و آله نزلت علیه الصلوة و لم یسم لهم ثلاثاً و لا رباعاً حتی کان رسول الله صلی الله علیه و آله هو الذی فسر لهم ذلك ».

« بر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نماز نازل شد ولی رکعات آن مشخص نبود که سه یا چهار رکعت است تا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله این مطلب را برای مردم تفسیر ( بیان ) کرد .»  
و سپس ائمه اطهار علیهم السلام به پیروی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بسیاری از احکام و مطالب را با توجه به قرآن و سنت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بیان می کردند و در اختیار مردم می گذارند بنابراین می توان گفت که اکثر روایات فقهی که از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام به ما رسیده به نوعی تفسیر قرآن و تبیین آن است.

#### ۴-۵- بیان تاویل و باطن آیات:

برخی از روایات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از ظاهر قرآن عبور می کند و مطلبی از ماوراء الفاظ بیان می کند. و در روایاتی نیز وارد شده که آیات قرآن دارای بطن های متعدد است. ( ۲۵ ) که البته قدم گذاشتن در این وادی احتیاج به الهامات و کمک های الهی دارد. ( ۲۶ )  
در اینجا به چند مثال توجه می کنیم :

الف : در آیه شریفه « وَأَقِمْوا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَخْسِرُوا الْمِيزَانَ » ( ۲۷ )

« و وزن را بر اساس عدل برپادارید و میزان را کم نگذارید .»

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

« قال : المیزان الذی وضعه الله للأنام هو الامام العادل الذی یحکم بالعدل » ( ۲۸ )

« میزانی که خداوند برای مردم قرار داده است امام عادل است که به عدل حکم می کند .»

**نکته :** میزان وسیله سنجش است و از آنجا که معیار سنجش اعمال و عقاید مسلمانان، پیشوایان الهی هستند ، لذا امام را میزان نامیده اند . پس این روایت باطن ( قاعده کلیه ) یا تاویل ( به یک معنا که مرادف بطن است ) می باشد.

ب : در آیه شریفه: « قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماَهُمْ غَوْرًا فَمَنْ یَأْتیکُمْ بِماءٍ مَعینٍ » ( ۲۹ ) .

« بگو به من خبر دهید اگر آب های ( سرزمین ) شما در زمین فرورود چه کسی می تواند آب جاری و گوارا را در دسترس شما قرار دهد ؟ !» .



« عن الامام علي الرضا عليه السلام : ماؤکم ابوابکم الائمة ابواب الله فمن ياتيکم بماء معين ای ياتيکم الامام» (۳۰)

« از امام رضا عليه السلام نقل شده است که فرمودند: مقصود از آب ارتباط شما با ائمه عليهم السلام است و ائمه عليهم السلام راههای خدا هستند پس منظور از آیه «چه کسی می تواند آب جاری و گوارا را در دسترس شما قرار دهد» یعنی چه کسی برای شما علوم «امام معصوم عليه السلام» را در دسترس شما قرار می دهد».

**نکته:** در اینجا آب که مایه حیات است از مفهوم آن الغاء خصوصیت شده و شامل هر ماده و معدن حیات شده است و علم نیز که ماده حیات یکی از موارد (ماء) آب می شود. و لذا به علم امام «ماء معین» اطلاق شد.

#### ۶-۷- تطبیق آیات بر

مصادیق و بیان اظهر  
مصادیق آیه:

هر کلمه ای که دارای مفهوم  
و معناست ممکن است  
دارای مصادیق نهنی یا  
خارجی باشد. برای مثال  
لفظ انسان که به معنای  
بشر است در خارج دارای

مصادیقی مثل حسن، حسین و... است. و هر انسانی که به وجود می آید مصداق  
جدیدی از کلمه انسان است.

هنگامی که از امام باقر عليه السلام در مورد این حدیث پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سؤال می شود:  
« عن النبی صلی الله علیه و آله : ظهره تنزله و بطنه تاويله منه قد مضى ومنه لم یکن یجری کما تجری  
الشمس والقمر ». (۳۱) «ظاهر قرآن تنزیل آن و باطن آن تاویل است که برخی از آنها  
گذشته و برخی واقع نشده است قرآن جریان می یابد همانطور که خورشید و ماه  
جریان دارد».

حضرت باقر می فرماید: «ولو أن الآیه اذا نزلت فی قوم ثم مات اولئک القوم ماتت الآیه



ولما بقى من القرآن شئى . ولكن القرآن يجرى أوله على آخره مادامت السماوات والارض  
ولكل قوم آية يتلونها هم منها من خير أو شر». (٢٢)

« و اگر آیه ای در مورد مردمی نازل شود و پس از مرگ آن مردمان، آیه بمیرد،  
از قرآن چیزی باقی نمی ماند. اما قرآن اول آن تا آخرش جریان می یابد تا وقتی  
که آسمان ها و زمین باقی است . و برای هر قومی آیه ای است که آن راتلاوت  
می کند و مصداق آن هستند . چه آیات رحمت یا عذاب باشند».

برخی از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام نیز به مصادیق کلمات و مفاهیم قرآن  
اشاره دارد. و گاهی کاملترین و بارزترین مصداق را مشخص می کند.

مثال : در آیه شریفه: ﴿ إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾ (٢٣) . « خداوند ما را به راه مستقیم  
هدایت فرما» .

در تفسیر عیاشی آمده است: عن الصادق علیه السلام : « الصراط المستقیم امیرالمومنین علیه السلام .  
« راه مستقیم همان راه حضرت علی علیه السلام است » .

و از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمودند: « لیس بین الله و بین حجه حجاب ولا الله  
دون حجه ستر، نحن ابواب الله ونحن الصراط المستقیم ونحن عیبه علمه و نحن تراجمه  
و حیه ونحن ارکان توحیده ونحن موضع سره » . (٢٤)

« بین خدا و حجت او پرده و حجابی نیست ما، درهای ( علم ) خدا و راه مستقیم  
او و خزینه علم او و ترجمان وحی او و پایه های توحید او و محل اسرار او هستیم. »  
نکته : در این روایت یکی از مصادیق و موارد راه مستقیم الهی «الصراط المستقیم»  
بیان می شود. و بهتر است بگوییم اظهر واتم و اکمل مصادیق بیان می شود. یعنی  
همانگونه که راه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مستقیم است راه امام علی علیه السلام نیز مستقیم  
است. و هر راهی که با راه آنان منطبق باشد مستقیم است . و این راه مستقیم  
در زمان هر کدام از ائمه علیهم السلام یک مصداق جدید می یابد.  
علامه طباطبایی رحمته الله علیه نیز می فرماید:

« این همان مطلبی است که در روایت ( سابق ) آمده است که قرآن مثل خورشید  
و ماه جریان می یابد « بجری کما تجرى الشمس والقمر » (٢٥) و مصادیق تازه می یابد .  
و این مطلب از نوع مشخص کردن مصداق آیه « و جری ... » است» (٢٦) .





۸- تبیین آیات و بیان مفاهیم و رفع ابهام از الفاظ قرآن (تفسیر اصطلاحی) :

بیان تفسیر آیات قرآن از وظایف پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بود « لَتَبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نَزَّلَ إِلَيْهِمْ » و پس از ایشان اهل بیت علیهم السلام این وظیفه را انجام می دادند و مشکلات آیات قرآن را برای مردم روشن می ساختند در اینجا به برخی از نمونه های این شیوه اشاره می کنیم :

الف : در ذیل آیه : « وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ ... » (۳۷).

« برای کسانی که کارهای بد را انجام می دهند و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید : الْآنَ توبه کردم توبه نیست » .  
از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: « هر الفراتاب حین لم ینفعه التوبه و لم یقبل منه » (۳۸).

« این کار نوعی فرار است و این شخص در هنگامی توبه کرده که فایده ای به حال او نداشته است و مورد قبول واقع نمی شود » .

نکته: این مطلب « فرار بودن توبه در هنگام مرگ » توضیح آیه است که چرا توبه اینگونه افراد (برطبق آیه) پذیرفته نمی شود.

ب : در ذیل آیه: « وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَأَنْتُمْ أَحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا » (۳۹).

« و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوان (به عنوان مهریه) به او پرداخته اید چیزی از آن راپس نگیرید » .

از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده که قنطار عبارت است از : « هوملاء مسک ثور ذهبا » (۴۰) (مقصود از آن مقدار یک پوست گاو پراز طلاست) .

نکته: روشن است که این روایت تبیین مفهوم و مقدار قنطار است.

از اینگونه روایات در تفاسیر روایی مثل: البرهان ونور الثقلین زیاد است. که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

## ۹- بیان شان ونزول آیات قرآن :

بسیاری از روایات که از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل شده شأن نزول آیات را بیان می‌کند. البته این هم نوعی بیان مصداق است ، اما گاهی مصداق‌های جدید آیه بیان می‌شود که در ( شماره ۷-۸ ) همین مقاله گذشت و گاهی مصداق اولی آیه که موجب نزول شده بیان می‌شود که در اینجا مورد بحث است.

مثال : در تفسیر آیه‌ی شریفه : ﴿ اِنَّمَا يُرِيدُ اللهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً ﴾ (۴۱).

« خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد ».

روایات متعددی وارد شده که مراد از « اهل البیت » در این آیه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام هستند . که در هنگام نزول آیه زیر یک عبا جمع شده بودند و آیه در شان آنان نازل شد. (۴۲).

از آنجا که شان نزول آیات در تفاسیر و روایات زیاد ذکر شده است به همین مقدار اکتفا می‌کنیم. (۴۳).

## ۱۰- روش تفسیر روایی :

گاهی اهل بیت علیهم السلام روایات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مورد تفسیر قرآن را نقل می‌کردند و به آنها استدلال می‌کردند نمونه اینگونه احادیث در روش تفسیر قرآن به قرآن در مثال امام جواد علیه السلام گذشت.

## ۱۱- روش تفسیر موضوعی قرآن :

یکی از شاخه‌های تفسیر قرآن به قرآن همان تفسیر موضوعی است که آیات مختلف را در یک موضوع کنار هم گذارند و با کمک آیات معنا و تفسیر یک آیه قرآن را روشن می‌سازند .

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در موارد متعددی نیز از این روش استفاده



کرده‌اند ، مثال این مطلب نیز در مبحث تفسیر قرآن به قرآن ( درمثال معانی ظلم وشرک درقسمت ث ) گذشت .

## ۱۲- روش تفسیر عقلی :

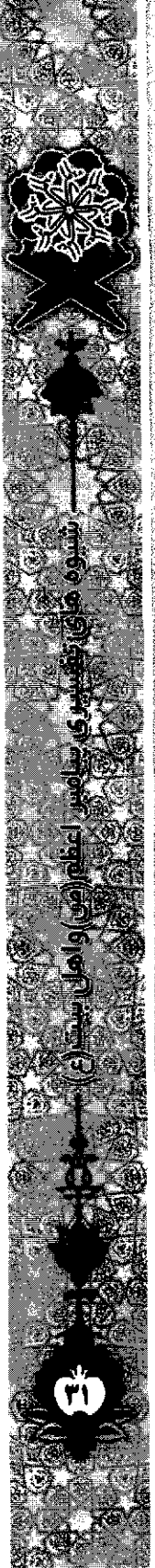
درروایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام گاهی از دلایل و اصول عقلی استفاده شده است. از جمله درمورد آیه « وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ » <sup>(۴۴)</sup> امام صادق علیه‌السلام فرمودند : «خدا در هر مکانی هست» فردی گفت: «یعنی ذات خدادر همه جاهست». امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «ویحک انّ المکان اقدار فاذا قلت فی مکان بذاته لزمک ان تقول فی اقدار و غیر ذلک ولكن هو باین من خلقه محیط بما خلق علماً و قدره و سلطاناً و ملکا و احاطه».

« وای بر تو! مکان کمیت ها و میزان هاست ، اگر گفتی او به ذاتش در مکانی است ، لازم است که تو بگویی در کمیت است . چنین نیست ؛ خدا جدای از مخلوق و محیط بر آنان ، با علم ، قدرت ، سلطنت ، حکومت و احاطه می باشد. <sup>(۴۵)</sup> »

تذکر: البته گاهی در روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام از مطالب تاریخی و قصه های پیامبران <sup>(۴۶)</sup> گذشته و تشبیه و تمثیل <sup>(۴۷)</sup> استفاده شده است.

## پی نوشت ها:

- ۱) رک : درآمدی بر تفسیر علمی از نگارنده و نیز مبنای و روش های تفسیر از استاد عمید زنجانی .
- ۲) کلمه (( اهل بیت )) گاهی در مقابل نام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به کار می رود در این صورت مقصود از آن خانواده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام هستند. ولی گاهی کلمه (( اهل البیت )) به صورت مطلق به کار می رود که شامل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خانواده ایشان و ائمه علیهم‌السلام می گردد. مثل اینکه در آیه تطهیر (( اهل بیت )) آمده که مراد معنای عام است.
- ۳) این روایات برخی قوی و صحیح و برخی ضعیف و غیر معتبر است. ولذا باید به صورتی کارشناسانه و نقادانه با این روایات برخورد کرد تا از افتادن به دام اسرائیلیات و روایات جعلی و ضعیف دوری بجوئیم.
- ۴) المیزان ج ۱ / ص ۱۰۹
- ۵) بحار الانوار . ج ۸ / ۱۰۸
- ۶) المیزان . ج ۳ / ۸۳
- ۷) تاویل ، معانی متعددی دارد ( ارجاع ظاهر آیه متشابه به واقع و آیات محکم عاقبت امور و...) دارد. تاویل و یطن در برخی موارد معانی واحدی دارند و گاهی از هم جدا هستند که در مثالهای متن مقاله آمده است.
- ۸) نهج البلاغه ، خطبه / ۱۳۳
- ۹) همان ، خطبه / ۱۵۸



- (۱۰) همان ، خطبه ۱۸/.
- (۱۱) مجمع البیان ، طبرسی ، ج ۶، ص ۹۴ ذیل آیه و رتل القرآن ترتیلا.
- (۱۲) تفسیر صافی ، فیض کاشانی ، مقدمه تفسیر - الدار المنتور ، سیوطی ج ۲، ص ۲ به نقل است قرآن ناطق ، بی آزار شیرازی ، ج ۱، ص ۲۶۶
- (۱۳) وسائل الشیعه ، ج ۱۸، حدیث ۱۴۱ و ص ۱۲۸ و حدیث ۳۱ و ۳۸.
- (۱۴) مانده / ۲۸.
- (۱۵) جن / ۱۸
- (۱۶) جن / ۱۸.
- (۱۷) تفسیر العیاشی ، ج ۱، ص ۳۲۰ - ۳۱۹.
- (۱۸) انعام / ۸۲
- (۱۹) لقمان / ۱۳.
- (۲۰) البته ممکن است این مورد بیان مصداق ظلم هم باشد.
- (۲۱) تفسیر طبری ، ج ۱، ص ۲۷.
- (۲۲) امالی صدوق ، (ط ، نجف) ص ۶، المجلس الثاني .
- (۲۳) نحل / ۴۴.
- (۲۴) کافی، جلد ۱، ص ۲۸۶
- (۲۵) کافی، ج ۱، ص ۲۸۶.
- (۲۶) ر.ک: بحار الانوار ، ج ۹۲، ص ۹۵ و نیز میزان الحکمه ، ج ۸، ص ۹۴ به بعد .
- (۲۷) الرحمن / ۹.
- (۲۸) ر.ک: تأویل الایات الظاهره ، سید شرف الدین الاسترآبادی ، ج ۲، ص ۶۳۳ - ۶۳۲
- (۲۹) ملک / ۳۰.
- (۳۰) تفسیر صافی ، فیض کاشانی ، ج ۲، ص ۷۲۷.
- (۳۱) بصائر الدرجات، الصفار ، ص ۱۹۵.
- (۳۲) تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰ رقم ۷.
- (۳۳) حمد / ۶
- (۳۴) السیزان علامه طباطبائی (ره) ، ج ۱، ص ۴۱ از المعانی نقل می کند ( چاپ سوم - مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان ، قم ۱۳۹۳ ) .
- (۳۵) بصائر الدرجات ، الصفار ، ص ۱۹۵ از پیامبر ﷺ نقل می کند.
- (۳۶) المیزان ، علامه طباطبائی (ره) ، ج ۱، ص ۴۱.
- (۳۷) نساء / ۱۸.
- (۳۸) نورالتقلین ، ج ۱، ص ۴۵۷.
- (۳۹) نساء / ۲۰
- (۴۰) مجمع البیان ، ذیل آیه فوق و نور التقلین ، ج ۱، ص ۴۵۹ ، حدیث ۱۳۹.
- (۴۱) احزاب / ۳۳.
- (۴۲) ر.ک : تفسیر مجمع البیان ، ج ۸، ص ۳۵۷ ذیل آیه (احزاب / ۳۳) .
- (۴۳) ر.ک: کتاب آیه التطهیر ، سید علی ابطحی .
- (۴۴) انعام / ۳
- (۴۵) نورالتقلین ، حویزی ، ج ۱، ص ۷۰۴.
- (۴۶) ن . ک : ذیل آیه ۹ و ۸۳ / کهف (نورالتقلین ، ج ۳، ص ۲۴۴ و ص ۲۹۷).
- (۴۷) ن . ک : ذیل آیه ۶۷ / فرقان (نورالتقلین ، ج ۴) ص ۳۹.